

سروده‌های بی‌گمان حافظ

بررسی کتاب «سروده‌های بی‌گمان حافظ» اثر دکتر بهروز ثروتیان

دکتر فاطمه کوپا*



سروده‌های بی‌گمان حافظ (با مقدمه، گزارش موضوع

سروده‌ها، معانی ابیات و فرهنگ واژگان)

شرح و تصحیح و تحقیق: دکتر بهروز ثروتیان

انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶

و تنوع تجربه نیست.

به دیگر بیان «دیوان حافظ» یک مجموعه ادبی صرف نیست، فراتر از ادبیات است، نامه زندگی است، زندگینامه ماست، از همین رو دیوان شعر او ژرف‌تر و رندانه‌تر از آن است که به سادگی تحت مطالعه و پژوهش درآید، زیرا هر هنر راستینی آنچنان عمیق، چندوجهی و پذیرای تعبیر و تفسیرهای چندگانه و چندگونه است که به راحتی تن به تحلیل و شرح نمی‌دهد. لذا در طول تاریخ (از زمان سرایش اثر) شارحان و پژوهشگران بسیاری به نیت شرح و تأویل این اشعار قدم در راه نهادند و هر کدام از زاویه‌ای خاص به آن پرداخته‌اند. یکی از آثاری که در همین راستا به رشته تحریر درآمده، کتابی تحت عنوان «سروده‌های بی‌گمان حافظ» است. این کتاب در مجموعه‌ای بالغ بر ۸۴۷ صفحه و مشتمل بر شرح ۳۱۹ غزل ساماندهی شده و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است.

حافظ نمونه تمام‌عیار یک هنرمند، متفکر، اندیشمند و گوینده‌ای ژرف‌اندیش است و این نمونگی خود را به بهترین وجه در هنر خویش بیان کرده است. همین است که دیوان او آینه جان‌بینی و جهان‌بینی ایرانی است. حافظ، حافظه ماست.

وی با هنر و درایت خاص خود هر گنج سعادت که از یمن دعای شب و ورد سحری اندوخته است، در تاریک‌ترین ادوار تاریخ از تاراج غارتگران شرف و معنویت پاس می‌دارد و رندانه هر چه از دولت قرآن به دست کرده است، بر آنها می‌افزاید و به صورت پاره‌های روح خویش که به «غزل‌های حافظ» شهرت یافته است، ارمغان راه‌دانشایان همیشگی تاریخ می‌کند.

به جرأت می‌توان گفت که جهان شعری هیچ شاعر ایرانی به اندازه حافظ، زنده، مرتبط با واقعیات و آکنده از نازک‌اندیشی‌های روانشناختی

و بر اساس ذوق سلیم نیست و یا در کتابی و دفتری ضبط نشده است که فلان غزل از فلان شاعر است و از حافظ نیست، بلکه این داوری حاصل یک ربع قرن سابقه کار و تحقیق بر سر تصحیح کلمات و ابیات دیوان حافظ است که در «انتشارات نگاه» به چاپ رسیده و ای بسا مصحح برای تشخیص کلمه‌ای و بیتی ساعت‌ها و روزها وقت صرف کرده است و پس از پایان چاپ متن تصحیح شده، متوجه شده است که برخی از آن ابیات، کلمات و حتی خود غزل از حافظ نبوده است و این حقیقت تلخ و نتیجه شیرین در حین شرح و نقد معنی غزل‌ها آشکار شده است.» (ص ۲۴).

وی در جایی دیگر درخصوص دلایل حذف بعضی از غزل‌ها و قلم زدن آنها از مجموعه غزل‌های شرح شده کتاب می‌نویسد: برخی از این غزل‌ها «از غزل‌هایی است که به عمد در دیوان خواجه انداخته‌اند و غزل‌هایی را نیز برخی کاتبان دیوان حافظ مانند «جعفر الحافظ» و «حافظ حسن»، تحت تأثیر غزلیات حافظ سروده و به خط زیبای خویش در نسخه‌های مکتوب زیر دست خود نگاشته‌اند. در این گونه موارد - که بسیار است - کاتبان و زبان‌ویسان دیوان حافظ، تحت تأثیر اندیشه‌ها و غزلیات خواجه قرار گرفته و ابیاتی ساخته‌اند، در حالی که از نکته‌دانی‌ها و راز و رمز سخن حافظ آگاه نبوده‌اند.» (ص ۲۶).

و در پایان نتیجه می‌گیرد که: «باید این اصل را پذیرفت که برخی غزل‌ها را به عمد ساخته‌اند تا علیه باورهای عرفانی حافظ قیام کنند، برخی از این غزل‌ها را تحت تأثیر زیباترین غزل‌ها و با همان ردیف و وزن و قافیه سروده و افزوده‌اند و بر همین اساس است که می‌بینیم هر غزل ناب، سه چهار غزل ناتوان در پیش و پس خود دارد و برخی غزل‌ها را نیز کاتبان، صرفاً برای افزودن بر حجم دیوان حافظ از دیگران به نام حافظ نقل و ضبط کرده‌اند.» (ص ۳۰).

مؤلف در ادامه به شرح و توضیح مستقل هر یک از غزل‌ها می‌پردازد، روش کار به این صورت است که پس از درج کامل هر غزل، شرحی مجمل و موجز در خصوص انگیزه و وجوه سرودن غزل (جنبه تاریخی، سیاسی، عرفانی) آورده می‌شود و در نهایت، مؤلف ترجمه ساده ابیات و در صورت ضرورت، تعابیر عرفانی (نهاده) آن را بیان می‌کند.

چند نکته (نکات مبهم)

- وجود تعقید و ابهام در بیان دلایل ردّ برخی از غزل‌ها و ابیات و قلم زدن آن از مجموعه غزل‌های دیوان حافظ به ویژه صفحات ۲۶ -

کتاب با مقدمه‌ای مفصل و طولانی (بالغ بر ۲۶ صفحه) آغاز می‌شود، مؤلف در این بخش از کتاب به بحث و بررسی پیرامون ضرورت و انگیزه تألیف کتاب، نقد و بررسی شعر «حافظ» بر اساس اصول موضوعه هفت‌گانه، جدل بر سر غزل در آخر و اول دیوان حافظ می‌پردازد و درباره نحوه گزینش غزل‌ها می‌نویسد: «سروده‌های بی‌گمان حافظ، گزیده سروده‌های حافظ نیست، بلکه دیوان حافظ و نگهبان غزل‌های خود «خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی» است، اگر چه قطعاً نمی‌توان گفت همه غزلیات در این دفتر هست و در کتاب و دفتری دیگر نیست.» (ص ۱۷)

وی در ادامه آگاهی از اصول موضوعه شناخت شعر حافظ را ضروری می‌داند و در همین راستا اصول هفت‌گانه زیر را به عنوان ویژگی‌های عام و یکدست غزلیات حافظ می‌پذیرد:

۱. وجود رمزها و معانی ثانوی در کلمه، کلام و همه غزل‌ها و سروده‌های خواجه حافظ؛ از آن رو که حافظ در عالم هنر و ادبیات پیرو اصالت هنر (سمبولیست و رمزگرا) است.

۲. غزل‌های حافظ، یا نامه‌هایی ناظر بر رخدادهای تاریخی و اجتماعی زمان شاعر است و یا بیانگر روشی از روش‌های سیر و سلوک عارفانه است که با بهره‌گیری از اصطلاحات خاص شاعر، ذهن را به سوی عشقی زمینی رهنمون می‌شود.

۳. فصاحت و بلاغت در کلمه، کلام، صورت و معنی غزل‌ها به همراه رنگ و بوی عارفانه در همه موارد به چشم می‌آید.

۴. شعر خواجه با آمیزه‌ای از صنایع بدیعی و بیانی فارغ از تکلف و افراط رنگ گرفته است.

۵. بهره‌گیری از کنایات عرفی و اصطلاحات مردمی در لفافه معانی بسیار والای عارفانه یکی دیگر از وجوه امتیاز شعر حافظ است.

۶. فقدان تعقید لفظی و معنوی و ضعف تألیف در کنار تأویل‌پذیری چندوجهی اشعار، به گونه‌ای است که گویی حافظ به عمد از زدن راه اندیشه خوانندگان اشعار، حظ فراوان می‌برده است.

۷. بی‌زمانی و بی‌مکانی و کلیت معنی سخن خواجه به حظی روحی می‌انجامد که خصیصه‌ای ممتاز و بی‌نظیر است.» (ص ۱۷ - ۱۹)

مؤلف در بخشی دیگر از پیشگفتار، ضمن اشاره به مشکلات و موانع کار، به مخاطب خود اطمینان خاطر می‌دهد که: «کتاب سروده‌های بی‌گمان حافظ، از غزل‌های افزوده که از زمان حافظ در دیوان غزلیاتش به نام او ضبط کرده‌اند، پاک شده است و این حکم و داوری نیز سرسری

۲۸ پیشگفتار، از آن جمله‌اند ابیات و مصراع‌های:

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم - چو دست در سر زلفش زخم
به تاب رود / ور آشتی طلبم بر سرعتاب رود - رشته تسبیح اگر بگسست
معذورم بدار - دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود - در نظر بازی ما
بی‌خبران حیرانند / من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند.

- حضور نوعی «تناقض» در بحث و استدلال پیرامون نگاه حافظ
به شخصیت «زاهد» در شعر او: مؤلف محترم در صفحه ۲۹ پیشگفتار
کتاب در این خصوص می‌نویسد: «... حافظ خود نیز زاهد بوده و کاسه زهد
خویش را بر سر درباریان می‌شکند و حرمت زهد خود را نگه می‌دارد.» و
جهت اثبات مدعای خود، بیت زیر را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند:

چو لطف باده کند جلوه در رخ ساقی
ز زهد من به سرود و ترانه یاد آرید

که صورت دیگر این بیت در دیوان حافظی که به اهتمام «علامه
محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی» به رشته تحریر درآمده و با حافظ
«دکتر پرویز ناتل خانلری» مقابله شده است، به ترتیب زیر است:

چو لطف باده کند جلوه در رخ ساقی
ز عاشقان به سرود و ترانه یاد آرید (دیوان حافظ، ص ۱۶۳، ب ۲).

مؤلف در صفحه ۴۰ پیشگفتار باوری دیگرگون را عرضه می‌دارد و
در توضیح بیت: بی‌خبرند زاهدان نقش بخوان و لائق / مست ریاست
محتسب باده بده و لاتخف، می‌نویسد: قیافه زاهدان را ببین و بدان که
بی‌خبر از حقیقت هستند.

وی در جایی دیگر در تفسیر بیت:
ما و می و زاهدان و تقوی
تا یار سر کدام دارد!

می‌گوید: حافظ در این بیت «تجاهل‌العارف» به کار برده است، که
خود می‌داند دوست کدام را می‌پسندد و همان را گرفته است. (غزل ۹۴،
بیت ۴، ص ۲۸۷)

و از همان جمله است:

نه به هفت آب که رنگش به صد آتش نرود
آنچه با خرقه زاهد می‌انگوری کرد (غزل ۱۱۰، بیت ۶، ص ۳۲۹)

- ابهام و نارسایی در مفهوم برخی از ابیات و مصراع‌ها:

- غزل ۲، بیت ۳، ص ۴۶:

کجاست دیرمغان و شراب ناب کجا: می‌خواهم به خانقاه رفته،
شراب و باده ازلی بنوشم که آب ندارد.

- غزل ۴، بیت ۵، ص ۵۲:

چه قیامت است جانا که به عالمی نمودی
دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را
دل و جان ما فدایت گردد، در پرده کاخ پنهان مشو ... این چه
قیامتی است که در شأن عاشقان (عارفان) برپاداشتی؟

- همان، بیت ۶:

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایان بنوازد آشنا را
یادداشت: کلام ناقص مانده است و سخن بی‌امضا رها شده است،
یعنی گفتنی نیست که چه پیامی بدهند و امضا کردنی نیز نیست، در آن
صورت نویسنده این شعر و این نامه کشته نمی‌شد.

- غزل ۶، بیت ۱، ص ۵۷:

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
یادداشت: بیت دارای صنعت «ابهام» (دو معنی ضد) است: الف)
ب) تو موجب بدبختی و سرگردانی ما شده‌ای و به یاد حبیب نینداخته‌ای
تا ما را دعوت کند.

- غزل ۸، بیت ۱، ص ۶۳:

خاک بر سر کن غم ایام را: بر سر غم روزگار خاک بکن، یعنی غم
را زیر خاک گور کن.

- غزل ۱۰، بیت ۸، ص ۶۹:

با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای
بو که بویی بشنوم از خاک بستان شما
تعبیر: خطی به دست بنویس که نمونه خط زیبای رخسار تو باشد و
با پیک بفرست تا آن را ببوسم.

- غزل ۱۱، بیت ۴، ص ۷۲:

چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان
کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما
تعبیر: دوست ما قامتی چون سرو دارد و همانند صنوبر دست‌هایش
آویخته ...

- غزل ۱۴، بیت ۵، ص ۷۹:

می‌نماید عکس می در رنگ روی مهوش
همچو برگ ارغوان بر صفحه نسیرین غریب
تعبیر: ذکر دل زیبایی صورت را چندین برابر می‌کند.

کسی که از در تقوی قدم برون ننهاده
به عزم میکده اکنون سر سفر دارد
در عمر خود هرگز توبه خود را نشکسته‌ام و نمی‌شکنم.
- غزل ۹۹، بیت ۶، ص ۳۰۰:
درد عشق است و جگرسوز دوايي دارد: ... بايد جگرت بسوزد تا
بهبود يابد.

- همان، بیت ۹:

- غزل ۱۶، بیت ۵، ص ۸۵:
بنفشه طره مفتول خود گره می‌زد
صبا حکایت زلف تو در میان انداخت
... نرگس از شرم سرخم کرد و تاب خورد و ...

- غزل ۲۳، بیت ۷، ص ۱۰۳:
راه تو چه راهی‌ست که از غایت تعظیم
دریای محیط فلکش عین سراست ...
از غایت بزرگی آن راه، اقیانوس گویی آبی ندارد ...

- غزل ۲۴، بیت ۲، ص ۱۰۶:
تا هر کسی به بوی نسیمی دهند جان
بگشود نافهای و در آرزو بیست
تعبیر: در عشق خود آنچنان خوشی دید که دیگر آرزو و هوسی
برای کسی نماند ...

- غزل ۳۲، بیت ۳، ص ۱۲۸:
بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر
که با شکستگی ارزد به صد هزار درست
تعبیر: از تو انتظار دارم، صد هزار سکه طلا بدهی و مرا بخری.

- غزل ۵۳، بیت ۴، ص ۱۸۱:
بسا سرا که درین کارخانه سنگ سبوست: ... به خاطر گناهشان
سبوی پر ریگ را برگردن ایشان آویخته‌اند.

- غزل ۶۵، بیت ۴، ص ۲۱۱:
دولت آن است که بی‌خون دل افتد به کنار
ورنه با سعی عمل باغ جنان این همه نیست
و گرنه با کوشش و کار باغ بهشت خود چیزی نیست یا همه به
اندازه نیکبختی خود آمده و در کنار نشسته نیست.

- غزل ۷۵، بیت ۸، ص ۲۳۷:
از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت: آهسته غم را کنار
می‌گذارد.

- غزل ۸۷، بیت ۵، ص ۲۶۸:
چشمی که نه فتنه تو باشد
از گوهر اشک بحر خون باد
... از اشک خونین آن چنان پر باشد که گویی
دریا از مروارید پر است.

- غزل ۹۲، بیت ۷، ص ۲۸۱:

زدند: حافظ با زیبایی تمام، همه تفاسیر قرآنی را زیر سؤال برده و خود نیز از این شیوه سخنوری لذت می‌برد و ...

مزایا و محاسن کتاب

- ساماندهی مطالب یعنی چگونگی ورود در موضوع و چینش مطالب از جمله دغدغه‌های پژوهشگران به هنگام نگارش اثر است، این کتاب به دلیل دقت نظر خاص نویسنده از انسجامی منطقی و نظمی قابل قبول برخوردار است.

- در ابتدای تدوین هر پژوهش (پیش از پرداختن به محتوا و متن اصلی و تحلیل محتوایی آن)، جهت آشنایی ذهنی مخاطب با کلیت اثر، ارائه توضیحی مختصر درباره ساختار و شاکله اثر الزامی است، که این مهم نیز از دیدگاه مؤلف محترم مغفول نمانده است.

- ابداع و نوآوری، یکی از اصول مهم و درخور توجه هر پژوهش است، این دقیقه نیز یکی از دغدغه‌های جدی نویسنده بوده است.

- ذکر این نکته ضروری است که این کتاب از حیث ارائه اطلاعات ارزشمند تاریخی و سیاسی روزگار حافظ در خور توجه است.

- عنایت مؤلف به پیراستن متن از اغلاط تایپی و ایرادهای نگارشی، آن هم در متنی انبوه و حجیم ارزشمند و ستودنی است.

- تأکید متواضعانه مؤلف در آغاز کتاب مبنی بر این که وی ادعای فحص کامل و استقصاء تام ندارد و کتاب خود را بری از نقص و اشتباه نمی‌داند، در خور تقدیر است، مؤلف در این بخش از کتاب با استناد به ابیاتی از هفت پیکر می‌گوید:

ما که در پرده ره نمی‌دانیم

نقش بیرون پرده می‌خوانیم

بی‌غلط راندن اجتهادی نیست

بر غلط خواندن اعتمادی نیست

ترسم این پرده را براندازند

با غلط خوانندگان غلط بازند

به که با این درخت عالی شاخ

نشود دست هر کسی گستاخ

(نظامی گنجهای، هفت پیکر، بند ۳۴، به نقل از سروده‌های بی‌گمان

حافظ، ص ۲۴).

خسرو حافظ در گاهنشین فاتحه خواند

وز زبان تو تمنای دعایی دارد

بیت دارای معانی رندانه گوناگون است: الف - به تو فاتحه خواندم

که مردی و شراب می‌نوشی. ب - ...

- غزل ۱۰۱، بیت ۵، ص ۳۰۵:

هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد

صرفه، ستاره‌ای است بر دم برج اسد. ایهاماً یعنی از تیررس

دشمنان ستاره صرفه را می‌گیرد و می‌برد.

- غزل ۱۱۳، بیت ۷، ص ۳۳۸:

رساند رایت منصور بر فلک حافظ

که التجا به جناب شهنشاهی آورد

... ای پادشاه افتخار کن که من به تو پناه آورده‌ام.

- غزل ۱۱۷، بیت ۲، ص ۳۴۷:

جلوهای کرد رخت دید ملک عشق نداشت

عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

... ظاهراً «عشق» را به معنای نفس به کار برده و یا سخن از

حافظ نیست.

- همان، بیت ۳:

عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد

برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد

یادداشت: چرا؟ معلوم نیست که عقل چه کار می‌خواست بکند؟ و

چه کار کرد و چه شد؟

- غزل ۱۱۷ با مطلع:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

یادداشت: این غزل بجز بیت اول، بیتی بی اشکال ندارد و نیازمند

یک بررسی چندجانبه از سوی چند تن از حافظ‌شناسان است.

- غزل ۱۱۳، بیت ۴، ص ۳۸۹:

عارفی کو که کند فهم زبان سوسن

تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد

نکته: زبان این گل (ز نی چون سوسن که ده زبان دارد) برای

کسی قابل فهم نیست.

- غزل ۱۴۰، ص ۴۰۷ با مطلع:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند/ گل آدم بسرشتند و به پیمان

کاستی‌ها

۱- اشکالات محتوایی

- فقدان معنای واژگان و ترکیبات در اکثریت قریب به اتفاق موارد به چشم می‌آید و این امر علی‌رغم تصریح مؤلف محترم در صفحه عنوان کتاب در خصوص ارائه فرهنگ واژگان سؤال برانگیز است.
- آنچه دیوان حافظ را در طول تاریخ بر دل و دیده نشانده و در صدر آثار ادبی جای داده، همان توجه به ابعاد عرفانی و جنبه‌های زیبایی‌شناسی کم‌نظیر آن بوده است که در این اثر تا حد زیادی مغفول مانده است که این مهم ریشه در تأکید بسیار مؤلف بر ارتباط غزل‌ها با جنبه تاریخی و سیاسی و مسائل اجتماعی روزگار حافظ دارد.
- معمولاً هر کار پژوهشی در ادامه و تکمیل آثار قبل از آن تدوین می‌شود، اما این مهم کمتر مد نظر کتاب بوده است.
- تعابیر عرفانی و نهاده کمتر وجهه همت مؤلف بوده و جنبه ظاهری ابیات بیشتر مورد توجه قرار گرفته، تا آنجا که حتی در برخی موارد تنها ترجمه تحت‌اللفظی ابیات به روایت درآمده است.
- کتاب فاقد کتاب‌شناسی یا کتابنامه است و این امر پژوهشگرانی را که به دنبال منابع مستند و متقن هستند، دچار اشکال و سردرگمی می‌سازد.
- فقدان واژه‌نامه الفبایی کتاب در انتهای اثر، مخاطب را وادار به تورق و کاوش در کل متن می‌نماید.

۲- ایرادهای تایپی و نگارشی

- ص ۱۰۲، بیت ۵، تقدیم و تأخیر اجزای جمله: و من دیداری خصوصی می‌خواهم داشته باشم: می‌خواهم دیداری خصوصی داشته باشم.

- ص ۱۲۶، ابیات ۴ و ۵: معنای ابیات به اشتباه و جا به جا درج شده است.

- ص ۲۱۰، بیت ۸: لشکرها: شکرها.

- ص ۲۱۸، بیت ۴: بسختی: بختی

- ص ۲۲۶، ابیات ۴ و ۵: ابیات جا به جا و به اشتباه معنا شده‌اند.

- ص ۲۳۵، بیت ۴: عبادت: عبارت

- ص ۲۳۸، بیت ۳: این: از این

- ص ۲۴۴، شرح غزل: ایرن: ایران

- ص ۲۸۵، شرح غزل: این غزلی: این غزل

- ص ۲۹۶، بیت اول: نگه نمی‌دارد: نگه می‌دارد

- ص ۲۹۹، بیت ۱۰: گفتم: گفتمی

- ص ۳۹۹، بیت ۱۰: و باز گردد: که باز گردد

پیشنهادها:

در پایان، ضمن تأکید مجدد بر مزایای کتاب از جمله ابداع و نوآوری، ارائه اطلاعات ارزشمند تاریخی و سیاسی، دقت نظر خاص نویسنده در خصوص ساختار و شاکله اثر، پیراستگی متن از اغلاط تایپی و ایرادهای نگارشی و ... جهت غنای هر چه بیشتر کتاب در چاپ‌های بعدی، توجه و دقت نظر مؤلف محترم به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- ارائه فرهنگ واژگان و ترکیبات جهت وضوح و روشنی بیشتر شروح و توضیحات.

۲- دقت نظر بیشتر مؤلف در توجه به ابعاد عرفانی و جنبه‌های زیبایی‌شناسی غزل‌ها.

۳- تدوین و تنظیم کتاب‌شناسی یا کتابنامه اثر جهت بهره‌گیری بیشتر مخاطبان.

۴- ارائه واژه‌نامه الفبایی یا نمایه‌ای جامع و کلی، جهت سهولت دسترسی به مطالب کتاب.

۵- توجه بیشتر متن به ذکر مراجع و مآخذ به ویژه در بخش ارائه شواهد امثال از دواوین شعری.

پی‌نوشت:

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور

منابع و مآخذ:

۱- ثروتیان، بهروز، **سروده‌های بی‌گمان حافظ**، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.

۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین، **حافظنامه**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

۳- ذوالنور، رحیم، **در جستجوی حافظ**، تهران، زوار، ۱۳۶۷.

۴- زریاب خویی، عباس، **آیین جام**، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۵- قزوینی، محمد (غنی، قاسم)، **دیوان حافظ**، تهران، زوار، ۱۳۸۲.

۶- مرتضوی، منوچهر، **مکتب حافظ**، تهران، ستوده، ۱۳۷۰.